

## مفهوم امامت از دیدگاه طریقه اسماعیلی

این مقاله به مناسبت پنجاه و نهمین سالگرد به تخت نشینی امامت، شاه کریم الحسینی، ملقب به والا حضرت شهزاده آقا خان چهارم، چهل و نهمین امام موروئی طریقه شیعه امامی اسماعیلی نزاری، نوشته شد، و در محفلی به این مناسبت در 11 جولای 2016 در شغنان قرائت گردید.

گرد آوری، پژوهش، و نگارش: نوروز علی ثابتی

21 سرطان 1395 || 07 شوال المکرم 1437 || 11 جولای 2016 ، روز دوشنبه

### بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام آنکه جان را فکرت آموخت = چراغ دل بنور جان بر افروخت  
ز فضلش هر دو عالم گشت روشن = ز فیضش خاک آدم گشت گلشن  
توانایی که در یک طرفه العین = ز کاف و نون پدید آورد کونین  
چو قافِ قدرتش دم بر قلم زد = هزاران نقش بر لوح عدم زد (1)

سپاس خدایی را که نام‌هایش پیدا است و معنی‌اش پوشیده و از راه آفرینش آشکار است و از راه یافتن به حواس، پنهان. نزدیک به ما است، چون عاجزی خویش را دلیل از قدرت او گیریم، و دور از ما چون خواهیم که از راه آفرینش او در آفریدگاری او رسیم. آن خدایی که آنچه اندر چگونگی آید از جسم‌ها و آنچه چگونگی برو بیفتد از ارواح، همه آفریده اوست و او به یکی خویش از چندی و چگونگی برتر است. (2)

و درود بی پایان بر شفیع شفیعان، و شمع جان مومنان، و دلیل گمراهان، و پیشوای انس و جان، یعنی حضرت محمد مصطفی (ص)، و پس از او درود بر امیر مومنان، و راز دار قرآن، یعنی حضرت علی مرتضی، و بر آل و اولاد او باد که ایشان پیشوایان خلق و ترجمانان کتاب خدای (ج)، و خزینه داران علم هدی، و امامان هر دو سرا، و خلیفه‌های واقعی خدای در روی زمین هستند. درود پیوسته بر آنها جاری باد تا وقتی که زمان بیاید و فلک از گردش نیاساید. (3)

1 گلشن راز شیخ محمود شبستری

2. از روشنائی نامه منثور از ناصر خسرو با اندکی تغییر

3. از روشنائی نامه منثور از ناصر خسرو با اندکی تغییر

## حُضْر گرامی!

از تک تک شما اجازه می‌خواهم تا نخست، تشریف آوری شما را در این جمع آمد پر شکوه خوش آمدید بعرض رسانم. سپس، نکاتی چندی را که پیرامون مفهوم امامت گرد آوری نموده ام، به پیشگاه تان تقدیم نمایم.

مراسم تخت نشینی امامت، رسم جدیدی نیست که همین امروز با آن آشنایی حاصل نموده باشیم. در حقیقت، جشن روز امامت بر می‌گردد به اولین روزی که حضرت آدم (ع) قدم بر این جهان نهاد. اوتعالی (ج) در قرآنکریم در خطاب به حضرت آدم (ع) فرموده است:

وَ إِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلٰٓئِكَةِ اِنِّيْ جَاعِلٌ فِي الْاَرْضِ خَلِيْفَةً. (4)

ترجمه: و هنگامی که گفت پروردگار تو به فرشتگان که من آفریننده ام در زمین خلیفه ای را.

و همچنان در سوره بقره آیه 124 فرموده است:

وَ اِذْ يَبْتَلِيْ اِبْرٰهِيْمَ رَبُّهُ بِكَلِمٰتٍ فَا تَمَّهَّنَّ، قَالَ اِنِّيْ جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ اِمَامًا. (5)

ترجمه: و یاد آور هنگامی که بیازمود ابراهیم را پروردگار او با سخنی چند، پس او آنها را به انجام رسانید. (خداوند) برایش گفت: من ترا پیشوا یعنی امام مردمان می‌گردانم.

معنای خلیفه، «جای نشین» است، و امام به معنای «پیشوا» و یا «رهبر» است. و این هر دو کلمه بر پیغمبران هم اطلاق گردیده اند. طور مثال: خداوند (ج) در خطاب به حضرت ابراهیم، او را «امام»، «رسول» و «نبی» خطاب کرده است. همچنان حضرت آدم (ع) و حضرت داوود (ع) را «خلیفه» خطاب نموده است. این پدیده تا زمان آنحضرت (ص) ادامه یافت، و بعد از رحلت او هم جاری بود که جانشینان او، لقب خلیفه را کسب نمودند، و تنها خلیفه چهارم اسلام، یعنی حضرت علی (کرم الله وجهه)، را امت مسلمه بطور عام خلیفه خطاب می‌کردند، و پیروان خاص اش او را به عنوان «خلیفه» و «امام» می‌شناختند. و این رسم برای دو قرن تا سال 1094 میلادی در مصر باقی ماند که از ذریه بلا فصل حضرت علی و بی بی فاطمه الزهرا در مصر خلفای فاطمی ظهور کردند، که در عین زمان، هم امامان طریقه اسماعیلی هم بودند و هم خلفای جهان اسلام در بلاد کشور های اسلامی غربی در مقابل خلفای عباسی قرار داشتند. از نقطه نظر دیدگاه شیعه امامی اسماعیلی نزاری، رشته امامت تا همین اکنون از هم نگسیخته، و حالا هم این رشته تباری و موروثی، زنده است.

حضرت شاه کریم الحسینی، ملقب به «والا حضرت شهزاده آقا خان چهارم»، چهل و نهمین امام موروثی اسماعیلی است که از ذریه آن فخر تبار و قبله موجودات است، که این رشته امامت را به ارث برده اند. از اینرو، اسماعیلیان نزاری سراسر جهان، روز تخت نشینی امامت آن حضرت را که اکنون با افتخار در آستانه بزرگداشت پنجاه و نه امین دوره سالگرد آن قرار داریم، گرامی میدارند.

از نقطه نظر بینش اسماعیلی، هر کس نمی‌تواند قرآن را به زعم خود تفسیر و تعبیر کند. چون این کتاب ساده ای نیست، و هر کس مقدر نیست تا معنای اصلی آنرا درک کند. بدین ملحوظ، شخص معلم صادقی باید باشد، تا پیام اصلی این سخن الهی را به مردم عامه رساند، و این معلم صادق حضرت محمد (ص) در زمان خود، و حضرت

4. سوره 1 آیه 30

5. سوره 1 آیه 124.

علی (ع) در زمان خود، و هر امامی موروثی از نسل آنحضرت (ص) در عصر خود می باشد. چنانچه حدیثی از آن جناب (ص)، بنام حدیث « ثقلین » وارد است:

**إِنِّي تَارِكٌ فِيكُمْ الثَّقَلَيْنِ: كِتَابَ اللَّهِ وَ عِزَّتِي أَهْلَ بَيْتِي. مَا إِنْ تَمَسَّكْتُمْ بِهِمَا لَنْ تَضِلُّوا بَعْدِي أَبَدًا، فَإِنَّهُمَا لَنْ يَفْتَرِقَا حَتَّى يَرِدَا عَلَيَّ الْحَوْضَ**

ترجمه: بعد از خود، برای شما دو چیز سنگین می گذارم که کتاب خدا و عترت من از اهل بیت من هستند. اگر به آنها چنگ بزنید هرگز گمراه نخواهید شد. این هر دو از هم جدا نخواهند شد تا اینکه در حوض کوثر بر من وارد شوند.

این حدیث شریف واضح می سازد که قرآن و امام مقلان هم اند. یعنی تا زمانی که قرآن وجود داشته باشد، معلم آن هم از عترت پیمبر بطور موازی با آن خواهند بود، تا این شخص معلم، یعنی امام و یا پیشوا، همان کتاب را برای امت مسلمه تفسیر و تبیین کند.

در حدیث دیگر وارد است که پیغمبر ما (ص) فرموده است:

**أَنَا مَدِينَةُ الْعِلْمِ وَعَلِيٌّ بَابُهَا، فَمَنْ أَرَادَ الْعِلْمَ فَلْيَأْتِ الْبَابَ.**

ترجمه: من شهر دانشم، و علی دروازه آن است، هر که دانش می خواهد از این دروازه در آید. یعنی وارد شدن در شهر، بدون از در ورودی مقدور نمی باشد. معنای این حدیث اینطور استنباط می گردد، که: یعنی هر کس به علم لدنی که عبارت از قرآن است، پی نمی برد، باید به علی رجوع شود، که واقف بر این علم است. بنا براین، علی و اولاد و آحفاد او واقف اسرار باطنی علم قرآن هستند، طوری که در حدیث ثقلین هم قبلاً بیان گردید.

همچنان، در حدیث دیگری بنام حدیث سفینه آمده است:

**إِنَّمَا مَثَلُ أَهْلِ بَيْتِي فِيكُمْ كَمَثَلِ سَفِينَةِ نُوحٍ؛ مَنْ رَكِبَهَا نَجَا، وَ مَنْ تَخَلَّفَ عَنْهَا هَلَكَ**

ترجمه: مثل اهل بیت من بر شما مانند کشتی نوح است، اگر کسی بر آن سوار شود (یعنی اگر به اهل بیت من تمسک جوید) نجات می یابد، و اگر کسی از سوار شدن بر آن تخلف کند، هلاک می گردد.

پیروی نمودن از اسوه آل رسول توجیه پذیر بوده و برای تمام گروندگان دین مبین اسلام فرض شده است. چنانچه او تعالی در قرآن کریم در سوره الاحزاب آیه 56 می فرماید:

**إِنَّ اللَّهَ وَ مَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَ سَلِّمُوا تَسْلِيمًا.** (6)

ترجمه: به تحقیق خدای تعالی و فرشتگان او بر پیمبر درود می فرستند. ای کسانی که ایمان آورده اید، سلام بر وی بفرستید، سلام بسیار.

و در حدیث آمده است که: **لَا تَصَلُّوا عَلَيَّ صَلَوةً بَتْرَاءَ.** یعنی برای من درود دم بریده مفرستید. اصحاب پسران نمودند که یا رسول الله، درود و یا صلوات دم بریده چیست. ایشان گفتند: کسی که بگوید « درود بر محمد »، و نگوید « و بر آل محمد »، یعنی بر اولاد من درود نفرستند، همانا درود دم بریده است. (7)

<sup>6</sup> سوره 33 آیه 56.

همچنان خداوند (ج) در سوره صافات آیه 130 می فرماید: **سَلَامٌ عَلٰی آلِ یَاسِیْنِ**.<sup>(8)</sup>

از حضرت علی روایت است که در معنی اینکه آل یاسین کی است، گفته است. «سین» یکی از نام های محمد است، و «آل یاسین» ما هستیم.

پس آل محمد کیست که درود فرستادن بر ایشان برای قاطبه مسلمانان جهان فرض گردیده است؟ این آل او جز از طریق دختر او فاطمه، توجیه پذیر نمی باشد.

زمانی که عبد الله آخرین پسر باز مانده آن حضرت (ص) از خدیجه وفات می کند، عاص ابن وائل خوشنود می شود، که از نسل محمد در جهان کسی نماند. و او را ابتر یعنی دم بریده خطاب کرد. آنحضرت با شنیدن این خبر، خیلی متأثر شد، اما برای او سوره «کوثر» نازل شد.

**إِنَّا أَعْطَيْنَاكَ الْكَوْثَرَ**. ترجمه: به تحقیق من برای شما اعطا نمودم کوثر را.

کوثر، از فعل «كُثِرَ» اشتقاق یافته، و معنای آن «زیاد، افزونی، و کثرت» است. نظر به تفسیر علمای شیعی، بطور عموم، کوثر، لقب حضرت بی بی فاطمه الزهرا است. یعنی خداوند، برای آن حضرت (ص) مرزده داده است، که تو دم بریده نیستی، و من برای شما کوثر را اعطا کردم، یعنی دارنده فرزندان زیاد، که همانا بی بی فاطمه است، و نسل شما در جهان پایدار خواهد ماند، و در حقیقت دشمن شما که همانا عاص ابن وائل است، دم بریده خواهد بود.<sup>(9)</sup>

آثار اقتدار تو تا حشر مثصل = خصم سیاه روی تو بی حاصل و خجل<sup>(10)</sup>

و به همین سبب، اعضای خانواده بی بی فاطمه (سلام الله علیها)، به نام «آل محمد» و یا «اهل بیت» یاد می شود، و ایشان اند که از هر رجس و پلیدی مصنون و معصوم هستند. چنانکه خداوند (ج) در سوره الاحزاب آیه 33 فرموده است.

**إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيراً**

ترجمه: جز این نیست که خدا (ج) می خواهد تا شما را ای اهل بیت از هر پلیدی پاک کند، تا پاک کند شما را پاک کردنی.

از اُم سلمه زوجه رسول الله روایت است که: فاطمه در خانه ام نشسته بود که پیغمبر خدا وارد شد و برایش گفت شوهر و پسران تان را هم صدا کنید. زمانی که علی، حسن و حسین، داخل شدند و نشستند، و خودش بالا تر نشست و علی پایان تر بود. اُم سلمه گفت: ما در آن حجره نشسته بودیم، و همین آیت تطهیر برای آن حضرت نازل شد. بعد گفت این جامه خیبری خود را بالا کرد و بر سر دختر، داماد، و نواسه هایش آنرا کشید، و بعد با دست راستش بطرف آسمان اشاره کرد و گفت:

<sup>7</sup> تفسیر حسینی در ذیل تفسیر این آیه، و همچنان در گفتار پنجاه ام وجه دین، تألیف ناصر خسرو

<sup>8</sup> سوره 37 آیه 130.

<sup>9</sup> **إِنَّمَا أَعْطَيْنَاكَ الْكَوْثَرَ ﴿١﴾ فَصَلِّ لِرَبِّكَ وَأَنْحَرْ ﴿٢﴾ إِنَّ شَانِئَكَ هُوَ الْأَبْتَرُ**. در تفسیر المیزان فی تفسیر القرآن، تألیف علامه سید محمد حسین طباطبایی در ذیل تفسیر ثوره کوثر.

<sup>10</sup> تفسیر حسینی در ذیل تفسیر سوره کوثر

## اللَّهُمَّ هُوَ أَهْلُ بَيْتِي وَ خَاصَّتِي، اللَّهُمَّ أَذْهِبْ عَنْهُمْ الرِّجْسَ وَ طَهِّرْهُمْ تَطْهِيراً.

ترجمه: بار خدایا! اینها اهل بیت من و خاصان من اند، پس آنها را از هر پلیدی پاک گردان، تا پاک گردند، پاک گردیدنی.

کسانی که به آل و خویشاوندان پیغمبر بستگی دارند، پروردن مهر و محبت ایشان در دل های مسلمین واجب شده است، و نباید با آنها کینه ورزی شود، و یا مورد طعن و لعن قرار گیرند. چنانچه خداوند تبارک و تعالی، در قرآن عظیم الشان، در سوره شوری آیه 23 فرموده است:

قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَىٰ وَمَنْ يَقْتَرِفْ حَسَنَةً نَّزِدْ لَهُ فِيهَا حُسْنًا. (11)

ترجمه: بگو (ای محمد)، برای تبلیغ قرآن از شما هیچ مزدی را نمی خواهم، لیکن شما در دوستی خویشاوندان من پیشی گیرید. و هر که نیکی کند، بر حسن آن نیکی می افزایم.

از ابن عباس (رض) روایت است که: صحابه از آن حضرت (ص) پرسیدند که خویشان شما که محبت ایشان باید کرد، کی ها اند؟ ایشان فرمودند که: علی، فاطمه، و حسنین (یعنی امام حسن و امام حسین) رضوان الله علیهم أجمعین.

کار نیکو کن اگر مزد نکو می طلبی = که جزا هر چه نکو تر، به نکو کار دهند

کار اگر نیست ترا در طمع اجر مباح = مزد مزدور به اندازه کردار دهند (12)

به این خاطر کسانی که مودت، محبت، و مهر این چهار کس را به شمول آن حضرت (ص) که پنج کس می شود بر گروندگان دین مبین اسلام واجب گردیده است، و کسانی که به این پنج کس مهر ورزیده اند، بنام پنج تنی، یعنی دوستدار پنج تن هم مسمی گردیده اند.

آیه 61 در سوره آل عمران که بنام آیه مُبَاهَلَه یاد می شود، صریحاً در مورد این پنج کس تأکید می کند.

و این واقعه چنین بوده است: ترسیان نجران از آن حضرت در مورد پیدایش حضرت عیسی (ع) سوال نمودند. ایشان جواب دادند که آفرینش عیسی (ع) مانند آفرینش آدم (ع) صورت گرفته که از خاک آفریده شده اند.

فَمَنْ حَاجَّكَ فِيهِ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ فَقُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ أَبْنَاءَنَا وَأَبْنَاءَكُمْ وَنِسَاءَنَا وَنِسَاءَكُمْ وَأَنْفُسَنَا وَأَنْفُسَكُمْ ثُمَّ نَبْتَهِلْ فَنَجْعَلْ لَعْنَتَ اللَّهِ عَلَى الْكَاذِبِينَ. (13)

ترجمه: پس هر که منازعه کند با تو (در مورد عیسی)، بعد از آنکه برای تو دانش رسید، پس بگو: بیایید که بخوانیم، فرزندان خود را و فرزندان شما را، و زنان خود را و زنان شما را، و نفس های خود و نفس های شما را، پس همه به زاری دعا کنیم پس لعنت بر دروغ گویان خدا گوییم.

<sup>11</sup> سوره 42 آیه 23

<sup>12</sup> تفسیر حسینی در ذیل تفسیر این آیه.

<sup>13</sup> إِنَّ مَثَلَ عِيسَىٰ عِنْدَ اللَّهِ كَمَثَلِ آدَمَ، خَلَقَهُ مِنْ تُرَابٍ ثُمَّ قَالَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ. در حقیقت حال عیسی در نزد خداوند مانند حال آدم است که او را از خاک آفرید، پس او را گفت، بشو، پس او شد. (آیه 61 سوره 3).

پس آن حضرت (ص) برای پیشوای ترسایان نجران گفت، هر چند ما در حجت و دلیل می افزاییم، شما در کینه و منازعه می افزایید، اکنون بیایید مباحث کنیم، یعنی بر یکدیگر نفرین بفرستیم تا خداوند دروغ گویان را روسیاه کند. آن حضرت با گروه نصارا زمان و مکان را مشخص کرد، و در روز مقرر، حضرت رسالت پناه، از جمله ابناثنا، یعنی، پسران، حضرت امام حسن و امام حسین را، و از جمله نساننا، یعنی زنان، بی بی فاطمه الزهرا را، و از جمله انفسنا، امام علی را با خود برد، و از آنها خواست که من دعا می کنم، و شما آمین بگویید. و چون اهل نجران آنها را در مقابل خود دیدند، از مباحله صرف نظر نموده، و به صلح متوسل شدند.<sup>(14)</sup>

خداوند (ج) در کلام عظیم الشان خویش در سوره ابراهیم آیات 24 و 25 در مورد بار و بودن درخت نبوی و میوه دادن آن در هر عصر و روزگار فرموده است.

**أَلَمْ تَرَ كَيْفَ ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا كَلِمَةً طَيِّبَةً كَشَجَرَةٍ طَيِّبَةٍ أَصْلُهَا ثَابِتٌ وَفَرْعُهَا فِي السَّمَاءِ \* تُؤْتِي أُكْلَهَا كُلَّ حِينٍ بِإِذْنِ رَبِّهَا وَيَضْرِبُ اللَّهُ الْأَمْثَالَ لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ (15)**

ترجمه: آیا ندیدی خداوند (ج) چگونه مثلی بیان کرد؟! سخن پاکیزه را مانند درخت پاکیزه که ریشه اش استوار و شاخ اش بر آسمان می باشد. و در هر زمانی به امر پروردگار خویش میوه می دهد، و خداوند اینرا مثالی زد برای مردمان تا بود که پند پذیر شوند.

ناصر خسرو داعی، متفکر و فیلسوف نامی اسماعیلی در کتاب وجه دین در معنای این آیات چنین گفته است:

«... و بدین درخت خوش مر رسول را همی خواهد که بیخش استوار است که دشمنان دین ویرا بر نتوانند کنند، و شاخش فرزندان او که بر آسمان پیوسته اند از راه پذیرفتن تأیید از عالم غلوی، و بهر وقتی بار حکمت بفرمان خدای تعالی بخلق همی رسانند. و هر که این مثل بداند دست در آن درخت زند، و از آن درخت بخورد، زندگی جاوید در آنست.»<sup>(16)</sup>

بنا بر براهین و ادله فوق که ذکر گردیدند، چنین نتیجه می گیریم که مفسرین حقیقی قرآن، و وارثین ترجمان آن، از خاندان آن حضرت (ص) در جهان در حال حاضر هم موجود بوده، مهر ورزیدن و درود فرستادن بر آنها امری واجب شمرده می شود، و نظر به عقیده اسماعیلی، همین شاه کریم الحسینی، چهل و نهمین نسل است که ارشاد این امر خطیر را بدوش دارد، که امروز پنجاه و نه امین روز به تخت نشینی امامت جناب ایشان را گرامی داشته ایم.

یا سید الانام درود جناب تو = ورد زبان ماست مه و سال و صبح و شام

نزدیک تو چه تحفه فرستیم ما ز دور = در دست ما همین صلوات است، و السلام.

**وَالسَّلَامُ عَلَيَّ مَنْ اتَّبَعَ الْهُدَى (17)**

ترجمه: و سلام و درود بر آن کس باد که از هدایت پیروی می کند.

<sup>14</sup> تفسیر حسینی در ذیل تفسیر این آیه.

<sup>15</sup> سوره 14 آیات 24 و 25.

<sup>16</sup> وجه دین، ناصر خسرو، گفتار اول، کتابخانه طهوری، چاپ دوم، تهران 1348، صص. 11 - 12.

<sup>17</sup> سوره طه (20)، آیه 47.

## منابع و مأخذ:

1. تفسیر حسینی، اثر ملا حسین واعظ کاشفی، ترجمه فارسی از شاه ولی الله محدث دهلوی.
2. تفسیر المیزان فی تفسیر القرآن، اثر علامه سید محمد حسین طباطبایی.
3. تفسیر کابلی (در 6 جلد)، اثر مولانا محمود حسن "دیو بندی"، با فوائد موضح القرآن مولانا شبیر احمد "دیو بندی"، تطبیق ترجمه آیات قرآنی به فارسی دری.
4. وجه دین، اثر ناصر خسرو بلخی، کتابخانه طهوری، چاپ دوم، تهران 1348
5. روشنایی نامه منثور، اثر ناصر خسرو بلخی
6. گلشن راز، اثر شیخ محمود شبستری